فراخوان پپ در حمایت از فلسطین

انزجار از صهیونیست‌ها در قلب کاتالونیا

گزارش یک
فریدون حسن

جنایات بی‌پایان رژیم کودک‌کش صهیونیستی در غزه و وقاحت‌های تمام‌نشدنی این رژیم نژادپرست در سایه حمایت‌های امریکا، انگلیس و برخی کشورهای اروپایی به مرحله‌ای رسیده است که دیگر حتی در خود کشورهای حامی رژیم اشغالگر هم مردم به صدا درآمده‌اند و نمی‌توانند در مقابل این همه جنایت بی‌تفاوت بمانند.

طی ماه‌های اخیر بارها شاهد بوده‌ایم که هواداران فوتبال در اعتراض به جنایات رژیم‌صهیونیستی شعار سرداده‌اند، بنر نصب کرده‌اند، حتی کار به جایی رسیده که شنیده می‌شود با فشار هواداران فوتبال در اروپا یوفا طرح تحریم فوتبال رژیم اشغالگر را در دستور کار خود قرار داده اما از آنجا که لابی صهیونیستی حتی در یوفا و فیفا هم نفوذ دارد، زیاد نمی‌توان به این سیاسی‌کاری‌های مقامات اروپایی دلخوش بود، با این حال جامعه فوتبال بیکار ننشسته و در حمایت از مردم غزه با صدای بلند فریاد حق‌طلبی خود را به گوش جهانیان می‌رساند.

چهره‌های زیادی از ستارگان نامدار فوتبال چه آنها که کفش‌ها را آویخته‌اند و چه آنها که هنوز در میدان سبز فوتبال پا به توپ هستند، تاکنون حمایت قاطع خود را از مردم فلسطین اعلام کرده و خواستار توقف بی‌قید و شرط جنایات صهیونیست‌ها شده‌اند.

در میان تمام چهره‌ها پپ گواردیولا، سرمربی اسپانیایی منچستر سیتی محکم‌تر از همه ایستاده و از تمام مردم جهان می‌خواهد علیه صهیونیست‌ها به پا خیزند.

پپ چندی پیش پس از دریافت مدرک افتخاری خود از دانشگاه شهر منچستر انگلیس ضمن تأکید بر اینکه اظهاراتش سیاسی یا ایدئولوژیک نیست، گفت: «دیدن آنچه در غزه اتفاق می‌افتد دردناک است. تمام وجودم را به درد می‌آورد. بگذارید واضح بگویم. این موضوع ربطی به ایدئولوژی یا درست یا غلط بودن حرف من ندارد. این موضوع مربوط به عشق به زندگی و اهمیت دادن به اتفاقاتی است که برای همسایه‌تان می‌افتد. شاید ما شاهد کشته شدن کودکان چهار ساله در اثر بمب یا در بیمارستان‌ها باشیم که دیگر کار نمی‌کنند و به خودمان می‌گوییم که این موضوع به ما مربوط نیست اما مراقب باشید، کودکان چهار یا پنج ساله بعدی می‌توانند از ما باشند. متأسفم اما وقتی به آنچه برای کودکان خردسال در غزه اتفاق می‌افتد فکر می‌کنم، فرزندان خودم را می‌بینم و می‌ترسم. شاید از جایی که ما زندگی می‌کنیم خیلی دور به نظر برسد و از خودتان بپرسید «چه کاری از دست ما برمی‌آید؟» داستانی در مورد جنگلی در حال آتش‌سوزی وجود دارد و همه حیوانات فرار می‌کنند، به جز یک پرنده کوچک. این پرنده بارها و بارها به دریا پرواز می‌کند و هر بار با قطره‌ای آب در منقارش برمی‌گردد. او را مسخره می‌کنند و می‌پرسند که چرا چنین زحمت بیهوده‌ای می‌کشد. به آن پرنده می‌گویند هرگز نمی‌توانی آتش را خاموش کنی اما پرنده پاسخ می‌دهد: «من وظیفه‌ام را انجام می‌دهم.»

بیان این حرف‌ها خشم صهیونیست‌ها را برانگیخت تا جایی که رسانه‌های رژیم عنوان کردند: «گواردیولا اهل کاتالونیای اسپانیاست، یعنی جایی که اسرائیل در آنجا اغلب مورد انتقاد قرار می‌گیرد و او هم این تریبون را برای حمله به ما انتخاب کرد.»

شبکه ۱۳ تلویزیون رژیم‌صهیونیستی هم درباره گسترش نفرت جهانی از این رژیم در پی جنایات وحشیانه آن علیه غیرنظامیان بی‌گناه در نوار غزه، به انتقادات گرت اتونبرگ، فعال محیط زیستی سوئدی و عضو کاروان آزادی در کشتی مادلین علیه اسرائیل و همچنین حمایت پپ گواردیولا، سرمربی منچستر سیتی از مردم غزه پرداخت و اعلام کرد: ما هنوز داستان گرتا تونبرگ را تمام نکرده بودیم که پپ گواردیولا، بهترین مربی جهان ما را به چالش کشید.

حالا اما پپ دوباره وارد کارزار شده، او جامعه جهانی را به برپایی تظاهرات بر ضد رژیم‌صهیونیستی دعوت کرده است. رسانه‌ها دیروز خبر دادند که پپ گواردیولا برای چندمین بار به حمایت از مردم فلسطین در برابر کشتار بی‌رحمانه صهیونیست‌ها پرداخت.

به نقل از اسپورت عربی، سرمربی اسپانیایی منچسترسیتی نگران نسل‌کشی در غزه است و از جامعه جهانی خواست برای پایان‌دادن به این وضعیت اقدام کند. گواردیولا گفت: «ما شاهد نسل‌کشی در غزه هستیم؛ جایی که هزاران کودک جان‌شان را از دست داده‌اند و احتمالاً تعداد آنها بیشتر خواهد شد. نوار غزه ویران شده است و تعداد زیادی از مردم بدون سرپناه، غذا، آب آشامیدنی و دارو زندگی می‌کنند.»

سرمربی سیتی ادامه داد: «جامعه مدنی می‌تواند با فشار بر دولت‌ها برای اقدام فوری، مردم غزه را نجات دهد. چهارم اکتبر (دیروز) ساعت ۱۲ ظهر، خیابان‌ها در کاتالونیا از تظاهرکنندگانی که خواستار پایان نسل‌کشی در غزه‌اند پر شده بود.»

چهره‌ها

آرژانتین و مسی پیش به سوی جام جهانی

لیونل مسی فوق ستاره فوتبال جهان بازهم به تیم ملی کشورش دعوت شد تا حالا بیشتر از هر زمان دیگر به جام جهانی ۲۰۲۶ نزدیک‌تر باشد. لیونا اسکولانی سرمربی تیم ملی آرژانتین اسامی بازیکنان خود را برای دو بازی پیش رو اعلام کرد که مهم‌ترین نام موجود در این اسامی نام کاپیتان مسی است.

اسکولانی فهرست نهایی بازیکنان دعوت‌شده برای دو بازی دوستانه پیش‌رو مقابل ونزوئلا و پورتوریکو را اعلام کرد. در میان انتخاب‌های لیونل اسکالونی، بازگشت فرانکو ماستانتونو که نقش مهمی در سیستم تاکتیکی ژابی آلونسو دارد و همچنین حضور لیونل مسی در حالی که هنوز آینده‌اش در تیم ملی در هاله‌ای از ابهام قرار دارد، بیش از همه جلب توجه می‌کند.

اتلتیکومادرید نقش بزرگی در این فهرست دارد چراکه پنج بازیکن از تیم سیمئونه به تیم ملی دعوت شده‌اند (مولینا، آلماداد، سیمئونه، خولین، نیکو گونزالس) که نشان‌دهنده درخشش و فرم فوق‌العاده این تیم است، هرچند تردیدهایی درباره تیاگو آلمادا وجود دارد، چراکه او در حالی به تیم ملی برگشته که پس از مصدومیتی که باعث شد هفت بازی اخیر اتلتیکو را از دست بدهد، حتی یک دقیقه هم برای باشگاهش بازی نکرده است.

اسکالونی همچنان به بازیکنان جوانی اعتماد دارد که شروعی درخشان در این فصل داشته‌اند. نیکو پاز که سابقه حضور در رئال مادرید را دارد و اکنون برای تیم کوموی سسک فابرگاس بازی می‌کند، پس از ثبت شش گل و پاس گل در شش بازی نخست فصل دوباره به تیم ملی بازگشته است. در عین حال اسکالونی بازیکنان باتجربه‌ای همچون دی‌پل، پاردس و اوتامندی را هم فراموش نکرده است، اوتامندی نیز مدتی گزینه خداحافظی از تیم ملی بود، البته بازیکنانی هم از فهرست کنار گذاشته شده‌اند. از جمله آلخاندرو گارناچو و کلودیو اچوری که به دلیل کمبود دقایق بازی در باشگاه‌های‌شان، جایی در برنامه‌های اسکالونی برای این دو دیدار دوستانه پیدا نکردند. لیونل مسی، فوق‌ستاره فوتبال جهان باز هم به تیم ملی کشورش دعوت شد.

یامال بالاخره از تیم ملی خط خورد!

سرانجام یامال از تیم ملی اسپانیا خط خورد تا تمام حواشی به‌وجود آمده بابت دعوت ستاره جوان و مصدوم بارسا به تیم ملی اسپانیا تمام شود. فدراسیون فوتبال اسپانیا صبح دیروز خط خوردن لامین یامال از فهرست دعوت لوئیس دلافوئنته برای بازی‌های مقدماتی بعدی جام جهانی ۲۰۲۶ مقابل گرجستان در الچه و بلغارستان در وایادولید را تأیید کرد.

طبق اطلاعیه فدراسیون، پس از درخواست اطلاعات پزشکی از سوی تیم پزشکی تیم ملی در روز پنج‌شنبه، باشگاه بارسلون گزارشی ارسال کرد که جزئیات مصدومیت در ناحیه پوبیس را توصیف می‌کند؛ مشکلی که مهاجم بلوگرانا را پس از اعلام فهرست تحت تأثیر قرار داده است. در این وضعیت و با هدف تسهیل بهبودی بدون ریسک، تصمیم به لغو دعوت او گرفته شد.

خط خوردن نام یامال از ترکیب تیم ملی اسپانیا در حالی است که در هفته‌های اخیر، هانسی فلیک سرمربی بارسا بارها به طور علنی از لوئیس دلا فوئنته، سرمربی اسپانیا، بابت دعوت از یامال انتقاد کرده است. یامال در حالی به اردوی قبلی اسپانیا رفت که از قبل آسیب‌دیده بود، با وجود این، نزدیک به دو بازی کامل برای لاروخا بازی کرد، درحالی که هنوز درد داشت و در نهایت مصدوم به بارسا برگشت. این ستاره جوان چند بازی تیمش را از دست داد، پس از بازگشت مقابل رئال سوسیه‌داد دوباره به میدان رفت و تنها دو بازی بعد دوباره مصدوم شد. با وجود چنین سابقه‌ای، دلا فوئنته باز هم او را برای وقفه ملی بعدی فراخواند، هرچند پس از گزارش پزشکی بارسلونا ناچار شد او را خط بزند.

فلیک که در زمان سرمربیگری تیم ملی آلمان تجربه‌ای مشابه را در مورد مارکو رویس بازیکن دورتموند داشت به خوبی می‌دانست که فشار بیش از حد به یامال باعث آسیب دیدن او خواهد شد، بنابراین حق داشت که نگران ستاره تیمش باشد و از سویی به سرمربی اسپانیا هم حق می‌داد که بخواهد از یامال استفاده کند.

یوونتوس- آث‌میلان

نبرد سنتی با چاشنی صدرنشینی

گزارش ۲
دنیا حیدری

ورزشگاه آلیانز ساعت ۲۲:۱۵ امشب میزبان یکی از حساس‌ترین دیدارهای هفته ششم سری آ ایتالیاست؛ جدالی سنتی بین یوونتوس و آث‌میلان که می‌تواند ترتیب جدول را برهم بزند، البته به شرط برتری میزبان مقابل صدرنشین لیگ.

یاران آلگری درحالی امشب به میهمانی بانوی پیر می‌روند که بعد از شکست در نخستین دیدار این فصل دیگر هیچ امتیازی از دست ندادند، چه در لیگ و چه رقابت‌های حذفی ایتالیا و به همین دلیل هم است که با تفاضل گل بهتر نسبت به ناپولی و آس‌رم در صدر قرار دارند، اما صدرنشینی با تفاضل گل بهتر چندان مطمئن نیست، به همین دلیل هم است که روسونری برای حفظ جایگاهی که در اختیار دارد چاره‌ای جز کسب هر سه امتیاز بازی با یووه ندارد، اما کسب هر سه امتیاز بازی از یووه در آلیانز هم کار چندان ساده‌ای نیست، هرچند این تیم بعد از سه برد متوالی دو هفته‌ای است که به نتیجه‌ای بهتر از تساوی یک- یک دست نیافته اما بازی با میلان برای یووه معنا و مفهومی متفاوت از دیگر رقابت‌های سری آن دارد. خصوصاً اگر با شانس صدرنشینی هم همراه باشد.

روی کاغذ بی‌تردید خط حمله زهرآگین خود که طی پنج دیدار قبلی موفق به زدن ۹ گل شده، شانس برتری روسونری را بیشتر می‌کند، اما غیبت بازیکنان کلیدی چون آردون جاشاری مصدوم و پرویس استوپینیان که به دلیل دریافت کارت قرمز در بازی هفته گذشته برابر ناپولی نمی‌توانند برابر یوونتوس به میدان بروند و همچنین سابقه ناکامی روسونری برابر بانوی پیر در سال‌های اخیر را نمی‌توان نادیده گرفت، البته که بانوی پیر هم برای این بازی کلاسیک مصدومان زیادی دارد. از گلیسون برمر گرفته تا خفرن تورام، آرکادیوژ میلیک و فابیو میرتی. با وجود این اما آلگری در این بازی روی کریستین پولیشیچ که با چهار گل زده و دو پاس گل یکی از مهره‌های کلیدی خط حمله تیمش است، حساب ویژه‌ای باز کرده است، خصوصاً که میلان در فاز هجومی به چرخش سریع توپ از کناره‌ها متکی است و حضور این بازیکن در بین مدافعان کناری و دفاع وسط بانوی پیر می‌تواند موقعیت‌های خوبی را در عمق برای روسونری ایجاد کند. از سوی دیگر مودریچ که این فصل یک گل زده و یک پاس گل هم داده می‌تواند در خط میانی با دقت پاس و توانایی‌ای که در تغییر ریتم بازی دارد، هماهنگی خوبی بین دفاع و حمله برقرار کند، با وجود این غیبت جاشاری می‌تواند فشار زیادی روی هافبک‌های میلان بیاورد، خصوصاً که میلان در بازی‌های اخیر نشان داده وقتی نیمه اول را بدون گل خورده پشت سر می‌گذارد، در نیمه دوم با پرس بیشتر و فشار هجومی دنبال تمام کردن کار است، به همین دلیل به گل رسیدن در نیمه نخست این دیدار حساس برای یووه حیاتی است، چراکه در غیر این صورت کار برای یاران ایگور تودور که در دو بازی اخیر نتوانستند بیش از دو گل به ثمر برسانند و به همین دلیل چهار امتیاز مهم را از دست دادند، بسیار دشوار خواهد شد، البته که تودور برخلاف آلگری به پرسینگ در یک‌سوم میانی و توپ‌گیری در این منطقه علاقه بیشتری دارد که در این سیستم، یلدیز به عنوان پاسور اصلی تیم که این فصل یک گل زده و سه پاس گل در کارنامه خود به ثبت رسانده، نقش قابل توجهی در حملات یووه دارد و میلان اگر بتواند این بازیکن را از جریان بازی خارج کند تا حد زیادی می‌تواند مانع خلق موقعیت از سوی میزبان بازی شود چراکه در غیاب برمر، یووه بخشی از قدرت بازی هوایی خود را در اختیار ندارد و همین مسئله تودور را ناچار به بازی مستقیم و انتقال سریع توپ به ولاهوویچ و استفاده از خلاقیت‌های یلدیز تکیه می‌کند.

نیشگون

هوادار بی‌ارزش فوتبال!

فریدون حسن

ظاهراً باید هر هفته از بی‌کیفیتی و بی‌خاصیتی فوتبال باشگاهی ایران بنویسیم و از هواداران این فوتبال بیت‌المال‌خور و بی‌فایده بپرسیم چطور حاضرید وقت گرانبها و پول زحمت‌کشیده خود را خرج دیدن این فوتبال کنید؟ چطور حاضرید روح و روان خود را عذاب بدهید؛ بروید مشتی بازیکن بی‌خاصیت و میلیاردی‌بگیر را ببینید که کوچک‌ترین تعصبی نه به تیم‌شان دارند و نه به هوادار تیم‌شان.

امروز اصلاً بحث رنگ یا این تیم و آن تیم نیست. یک نگاه به جدول لیگ مثلاً برتر و حرفه‌ای ایران بیندازید، خودتان حساب کار دست‌تان می‌آید که منظورمان چیست. شش هفته از شروع مسابقات گذشته و اگر خوش‌بین باشیم، شاید تیم صدرنشین امروز ۱۱ امتیاز داشته باشد، در غیر این صورت با گذشت شش هفته هنوز هیچ تیمی به امتیاز ۱۰ نرسیده است. حالا بازهم از شما هوادار محترم می‌پرسیم، واقعاً چنین فوتبالی ارزش دیدن و وقت گذاشتن دارد؟ واقعاً می‌ارزد که از جیب خرج کنی و مسافت طولانی تا ورزشگاه را بروی و بعد با اعصابی خراب شده برگردی و بخواهی هفته کاری خود را شروع کنی؟

بدون تعارف و رودربایستی عنوان کنیم که نه برای مدیران فوتبال، نه مربیان و نه بازیکنان هوادار هیچ ارزشی ندارد. سفره‌ای پهن شده و این جماعت هر کدام سهم میلیاردی و چندمیلیاردی و چند ۱۰ میلیاردی و چند ۱۰۰ میلیاردی خود را برمی‌دارند، حالا می‌خواهد هوادار سکته کند یا نه برای هیچ‌کدام‌شان اهمیتی ندارد. تازه اینها بخشی هستند که ریالی قرارداد دارند، بماند آنها که دلاری و یورویی قرارداد امضا می‌کنند و به ریش همه می‌خندند.

این فوتبالی است که با سرعتی عجیب در حال سقوط است؛ فوتبالی که دیگر هیچ حرفی برای گفتن ندارد؛ فوتبالی که از همین حالا مدیرانش سر و دست می‌شکنند برای مسافرت به ینگه دنیا و ماتم گرفته‌اند که چرا دولت ترامپ به آنها ویزا نمی‌دهد. این فوتبالی است که هوادار برای آن غصه می‌خورد؛ فوتبالی است که هوادار آن وقتی از ورزشگاه بیرون می‌آید از شدت خشم دهانش خشک شده و با چشمانی بهت زده این‌سو و آن‌سو را نگاه می‌کند تا کسی را پیدا و فریاد خشمش را بر سر او خالی کند.

امروز بحث، بحث تیمی خاص نیست. نوشتیم چیزی که اینها به اسم فوتبال به خورد هوادار و بیننده تلویزیونی می‌دهند، اصلاً فوتبال نیست. حالا تازه توقع دارند که صداوسیما به خاطر این توپ‌بازی‌های مسخره حق پخش هم به آنها بدهد. تا حالا کم از بیت‌المال خورده‌اند، حالا حق پخش هم می‌خواهند. حق پخش برای چه، برای اینکه علاوه بر هوادار حاضر در ورزشگاه، مردم پای تلویزیون را هم حرص بدهید تا به همه نشان دهید که چقدر از سطح اول فوتبال آسیا و نه جهان فاصله گرفته‌اید؟

روی صحبت‌مان باز هم با شما هواداران فوتبال است. باور کنید اگر فقط یک هفته فوتبال را تحریم کنید و به ورزشگاه نروید، هیچ چیزی از دست نمی‌دهید ولی شاید همین تحریم شما تلنگری باشد برای مربیان، بازیکنان و مدیران بی‌خیالی که یاد گرفته‌اند هیچ کاری نکنند و فقط پول بگیرند، چون خاطرشان جمع است که هوادار هست تا حمایت‌شان کند.

حاشیه

تفاوت‌های ۲ منچستر

ولخرجی یونایتد سیاستمداری سیتی

دو باشگاه شهر منچستر همیشه رقابتی سخت باهم داشته و دارند؛ یک رقابت در حد دشمنی که فقط در میدان مسابقه خلاصه نمی‌شود و می‌توان رد آن را حتی در مخارج و خرید بازیکن، جذب سرمربی و پرداخت غرامت هم دید؛ رقابتی که هیچ‌کدام نمی‌خواهند طی آن میدان را به دیگری واگذار کنند. منچستریونایتد در سال‌های اخیر همواره به عنوان یکی از پرخرج‌ترین باشگاه‌های لیگ برتر در زمینه تغییرات کادر فنی مطرح بوده و آمارهای مالی منتشرشده نشان می‌دهد این سیاست هزینه‌های هنگفتی برای باشگاه به دنبال داشته است. به گزارش سایت فوتبالی بر اساس اطلاعات منتشرشده، شیاطین سرخ طی چند سال گذشته نزدیک به ۵۲/۴ میلیون پوند به‌عنوان غرامت برای اخراج سرمربیان خود پرداخت کرده‌اند؛ رقمی که به وضوح نشان‌دهنده بی‌ثباتی در نیمکت اولدترافورد و فشار مدیریتی برای کسب نتایج فوری است، این در حالی است که همشهری منچستریونایتد، باشگاه منچسترسیتی، در همین بازه زمانی توانسته با سرمایه‌گذاری هوشمندانه و هدفمند، مهاجمی در سطح جهانی مانند ارلینگ هالند را با مبلغی کمتر از ۵۱ میلیون پوند جذب کند؛ خریدی که نه تنها هزینه انتقال بالایی نداشت، بلکه تأثیر مستقیم و قابل‌توجهی بر روند موفقیت‌های تیم داشته است. مقایسه این دو رویکرد، تفاوت استراتژی مدیریتی دو باشگاه منچستر را به وضوح نشان می‌دهد، در حالی که یونایتد به سیاست تغییر سرمربی و پرداخت غرامت‌های سنگین متکی است. سیتی با برنامه‌ریزی دقیق و سرمایه‌گذاری هوشمندانه در جذب بازیکنان کلیدی، ثبات و عملکرد مطلوب خود را تضمین کرده است. کارشناسان فوتبال انگلیس معتقدند ادامه این روند در منچستریونایتد می‌تواند مشکلات بیشتری برای تیم ایجاد کند و ضرورت بازنگری در سیاست‌های مدیریتی و فنی باشگاه بیش از پیش احساس می‌شود. در مقابل، موفقیت سیتی در جذب بازیکنان باکیفیت با هزینه‌های بهینه، نمونه‌ای از مدیریت حرفه‌ای و هوشمندانه در فوتبال مدرن به شمار می‌آید.